مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

صدیق صائب

۲۰۲۶/۱۰/۳۱

رسانهٔ آزاد یا میدان تاختوتاز؛

وقتی قلم به ابزار نفرت تبدیل میشود

رسانه‌های آزاد میتوانند از مهمترین ابزارهای آگاهی‌بخشی، نقد قدرت و دفاع از آزادی باشند؛ اما آزادی بیان، هنگامی که از مسئولیت اخلاقی و معیارهای استدلال جدا شود، ممکن است به وسیلهای برای تخریب شخصیت، ترویج تعصب و تسویهحسابهای شخصی تبدیل گردد. آنچه امروز در برخی از رسانهها و صفحات انترنتی مشاهده میشود، نمونهای از همین انحراف است: کسانی که بهجای بحث دربارهٔ مسائل اساسی جامعه، این فضاها را به میدان حمله به مخالفان، دشنامگویی، اتهامزنی و نمایش کینههای شخصی تبدیل کردهاند.

نوشتهٔ اخیر محترم ن. جلیلزاد، با عنوان «وطن، سفرهٔ دلالان نیست و فروشی نیست»، از این جهت قابل تأمل است که انگشت بر یکی از زخمهای دیرپای جامعهٔ ما میگذارد: بهرهبرداری از هویت قومی و زبانی برای ایجاد تفرقه، کسب امتیاز و پیشبرد منافع شخصی. فارغ از اینکه دربارهٔ سایر دیدگاههای نویسنده چه نظری داشته باشیم، مسئلهای که در این نوشته مطرح شده، ارزش بررسی جدی دارد. موضوع فقط تعصب قومی نیست؛ موضوع، شیوهای از حضور در فضای عمومی است که در آن، نفرت جای استدلال را میگیرد و تخریب دیگران به وسیلهای برای مطرحکردن خود تبدیل میشود.

در این میان، برخی از کسانی که به رسانههای مجانی دسترسی دارند، چنان رفتار میکنند که گویی انتشار یک نوشته در فضای انترنت، آنان را از پاسخگویی در برابر محتوای آن معاف میسازد. هرچه به ذهنشان میرسد، بدون بررسی، بدون سند و گاه بدون رعایت ابتداییترین قواعد اخلاقی نگارش و استدلال، بر صفحه میریزند. برای آنان، رسانه نه جای تبادل اندیشه، بلکه تختهٔ مشقی بیارزش برای تمرین دشنام، تکرار اتهامات و حمله به کسانی است که با آنان اختلاف دارند.

در چنین فضایی، هر مخالفی میتواند هدف حمله قرار گیرد؛ هر اختلاف نظری به دشمنی شخصی تبدیل شود و هر ادعای بیپایه، زیر پوشش دفاع از قوم، زبان، تاریخ یا وطن، به خورد مخاطب داده شود. گاهی نیز چنان وانمود میشود که گوینده در حال دفاع از حقوق یک ملت یا یک قوم است؛ اما حاصل سخنش چیزی جز عمیقترساختن شکافها و برانگیختن بدبینی میان مردم نیست. اگر معیار دفاع از یک قوم، توهین به قوم دیگر باشد، اگر دفاع از زبان مادری با تحقیر زبان دیگر همراه شود، باید در صداقت و محتوای این ادعاها تردید کرد.

یکی از خطرناکترین انحرافها آن است که آزادی بیان با آزادی دشنامگویی و رسانهٔ آزاد با مصونیت از نقد اشتباه گرفته شود. آزادی بیان به معنای آن نیست که هرکس بتواند هر اتهامی را مطرح کند و سپس خود را پشت نام آزادی پنهان سازد. آزادی، حق سخنگفتن را تضمین میکند؛ اما حقانیت هر سخن را تضمین نمیکند. کسی که ادعایی مطرح میسازد، باید آماده باشد که دربارهٔ درستی آن توضیح دهد، برای آن دلیل بیاورد و از آن دفاع کند.

از این هم تأسفبارتر، استفاده از رسانه برای شهرتطلبی و بازسازی چهرهٔ شخصی است. گاهی به نظر میرسد که هدف اصلی برخی نویسندگان، نه روشنساختن یک مسئله، بلکه دیدهشدن به هر قیمت است. در چنین وضعی، خود موضوع چندان اهمیت ندارد؛ آنچه اهمیت پیدا میکند، برانگیختن عکسالعمل، ایجاد جنجال و کشاندن نام نویسنده به محافل و بحثهاست. به گمان این عده، هرچه لحن تندتر، اتهام سنگینتر و دشمنی آشکارتر باشد، احتمال تبدیلشدن نوشته به موضوع بحث روز بیشتر میشود. در این منطق، جنجال جای ارزش علمی متن را میگیرد و شمار عکسالعملها، معیار موفقیت قلم تلقی میشود.

البته انگیزههای پنهانی هر نویسنده را نمیتوان صرفاً از روی لحن یا محتوای یک نوشته تشخیص داد؛ اما میتوان عملکرد او را بررسی کرد: آیا پیوسته به مسائل عمومی میپردازد یا بیشتر وقت خود را صرف حمله به اشخاص میکند؟ آیا در برابر نقد، استدلال میکند یا به دشنام و اتهام متوسل میشود؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

در کنار شهرتطلبی، که پیشتر به آن اشاره شد، انگیزهٔ دیگری نیز قابل بررسی است: تلاش برای تطهیر گذشته و سفیدنمایی کارنامهٔ شخصی. گاهی کسی که در گذشته مواضع، رفتارها یا عملکردهای بحثبرانگیزی داشته است، میکوشد با حملهٔ پیدرپی به دیگران، توجه مخاطبان را از کارنامهٔ خود منحرف سازد. گویی اگر بتواند مخالفانش را به اندازهٔ کافی بدنام کند، گذشتهٔ خودش نیز از نظرها پنهان خواهد ماند. اما تخریب دیگران، سند بیگناهی هیچکس نیست.

اگر کسی در گذشته مسئولیتی داشته، از قدرتی حمایت کرده، موضعی گرفته یا در رویدادی سهمی داشته است، بررسی آن موضوع حق جامعه است. در عین حال، هیچکس نباید با بلندکردن صدای خود علیه دیگران، از پاسخگویی دربارهٔ گذشتهاش معاف شود. در همهٔ این موارد، باید هوشیار بود و پرسید: آیا نویسنده در پی روشنساختن یک حقیقت است یا میکوشد چیزی را از دید مخاطبان پنهان سازد؟

همین معیار باید در برخورد با تبارگرایان و سوداگران هویت نیز رعایت شود. اگر کسی پیوسته از برتری قومی سخن میگوید، دیگران را تحقیر میکند یا جدایی را تبلیغ میکند، خواهناخواه این سؤال مطرح میشود که چه کسانی از چنین طرز برخوردی سود میبرندو چه کسانی از آن متضرر می شوند. اگر ادعای او دفاع از حقوق یک قوم است، چرا این دفاع با احترام به حقوق برابر دیگران همراه نیست؟ و اگر هدفش حفظ وضع مسلط و امتیازات موجود به هر قیمت است، دیگر نمیتوان سخنان او را صرفاً دفاع از هویت یا عدالت دانست. چنین طرز برخوردی میتواند به تفرقهافگنی بینجامد و اگر شواهدی وجود داشته باشد، احتمال وابستگی و خدمت به منافع بیگانه را نیز میتوان مورد بررسی قرار داد.

همانگونه که جلیلزاد در نوشتهٔ خود یادآوری میکند، دشمنیهای قومی و زبانی میتوانند توجه مردم را از عوامل واقعی محرومیت منحرف سازند و زمینهٔ مداخلهٔ بیگانگان را فراهم کنند. مردمی که باید دربارهٔ آزادی، آموزش، نان، کار، امنیت و عدالت سخن بگویند، درگیر نزاعهایی میشوند که گاه هیچ سودی برای زندگی روزمرهٔ آنان ندارد. در چنین وضعیتی، قلمی که میتوانست وسیلهٔ آگاهیبخشی باشد، به ابزاری برای تشدید اختلافات تبدیل میشود و رسانهای که میتوانست فضای گفتوگو و تفاهم را گسترش دهد، به میدان بازتولید کینهها و دامنزدن به دشمنیها مبدل میگردد.

مسئله دراینجا فقط اخلاق نویسندگی نیست؛ مسئله، مسئولیت اجتماعی کسانی است که در فضای عمومی سخن میگویند. یک نوشتهٔ نفرتپراکن ممکن است در ظاهر تنها چند سطر بر صفحه باشد، اما اگر به تکرار تحقیر، بدبینی و دشمنی دامن بزند، پیامدهای آن از محدودهٔ صفحه فراتر میرود. به همین دلیل، قلم نیز مانند هر وسیلهٔ قدرت دیگری باید در برابر نقد قرار گیرد. کسی که از قلم برای متهمساختن دیگران استفاده میکند، نمیتواند همزمان خود را از حق دیگران برای بررسی و نقد نوشتههایش محروم بداند.

البته پاسخ به این انحراف، سانسور و خاموشساختن صداهای مخالف نیست. راهحل، محدودکردن آزادی بیان نیست، بلکه دفاع از آزادی بیان مسئولانه است؛ آزادیای که در آن، هم حق انتقاد محفوظ باشد و هم ادعاهای بیسند، توهینهای شخصی و تحریکات قومی از نقد مصون نمانند. رسانهٔ آزاد باید امکان طرح دیدگاههای متفاوت را فراهم کند، نه آنکه به هر نوشتهای صرفاً به دلیل تندبودن یا جنجالبرانگیزبودن میدان دهد. گردانندگان رسانهها نیز در برابر شیوهٔ ادارهٔ فضای نشراتی خود مسئولیت دارند؛ مسئولیتی که با بازبودن دروازهٔ انتشار پایان نمییابد.

در نهایت، آنچه از نوشتهٔ ن. جلیلزاد میتوان گرفت، دعوت به بازنگری در رابطهٔ میان هویت، قلم و مسئولیت است. لازم نیست با تمام دیدگاههای او موافق باشیم تا این نکته را جدی بگیریم که تعصب، تبارگرایی و نفرتپراکنی، هرگاه به ابزار کسب شهرت یا منفعت تبدیل شوند، به آزادی و همزیستی آسیب میرسانند. معیار ما باید عملکرد و استدلال باشد، نه نام و وابستگی؛ سند و دلیل باشد، نه دشنام و شایعه؛ و عدالت باشد، نه انتقامگیری شخصی.

رسانهٔ ، ملک شخصی هیچکس نیست که آن را به میدان تصفیهحسابهای خود تبدیل کند. فضای عمومی، هرچند ممکن است در دسترس همگان باشد، از این جهت بیارزش نمیشود که استفاده از آن هزینهٔ مالی ندارد. ارزش آن به کیفیت اندیشههایی بستگی دارد که در آن مطرح میشوند و به مسئولیتی که نویسندگان در برابر جامعه میپذیرند.

کسانی که قلم را به ابزار تخریب دیگران تبدیل میکنند، باید بدانند که بلندترین صدا الزاماً نشانهٔ استحکام اندیشه نیست؛ تکرار یک اتهام، آن را به سند تبدیل نمیکند؛ و بدنامساختن مخالفان، گذشتهٔ هیچکس را خودبهخود پاک نمیسازد.

وطن نه ملک دلالان هویت است، نه ملک صاحبان انحصاری یک زبان و قوم، و نه تختهٔ مشق کسانی که رسانه را وسیلهٔ شهرتطلبی و تسویهحسابهای شخصی ساختهاند. وطن به همهٔ مردم آن تعلق دارد؛ و دفاع از آن، پیش از هر چیز، مستلزم دفاع از حق برابر انسانها، مسئولیتپذیری در بیان و مقابله با هر شکلی از نفرتپراکنی و فریبکاری است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ